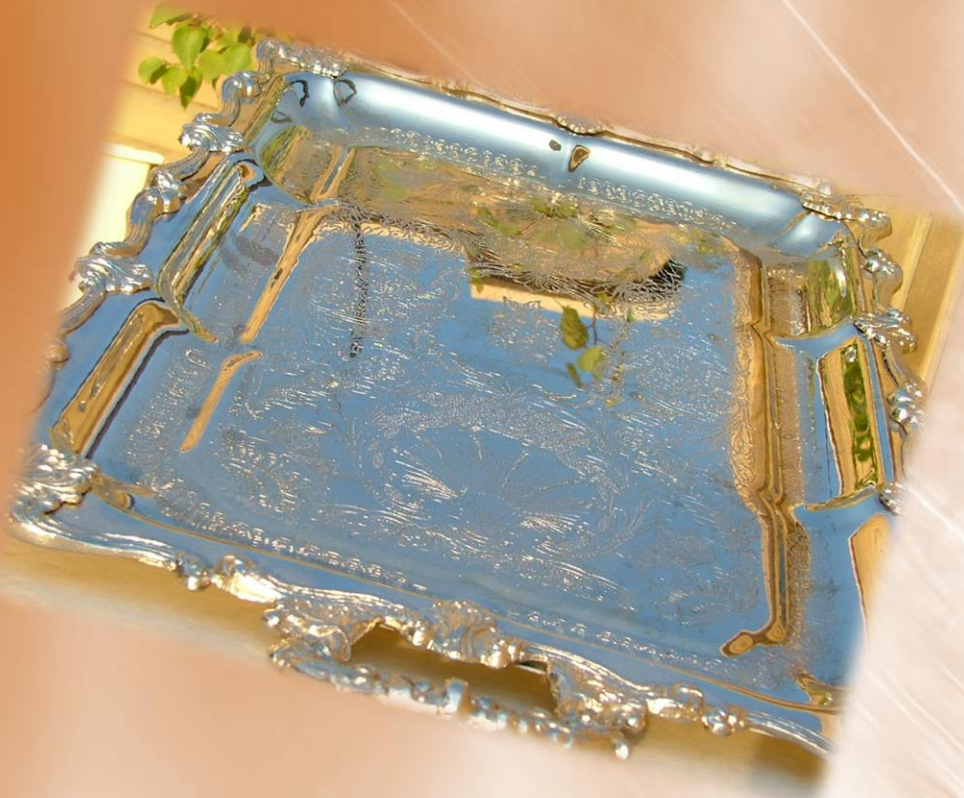


سینی و شهادتین



بیایید از امروز بگویید: ما می‌خواهیم بنده‌ی خدا و پیروان مولایی شویم که می‌فرمود: «اگر دو کار برای من پیش آید، یکی مربوط به دنیا و یکی مربوط به آخرت، کار آخرتی را جلو می‌اندازم و اگر دو کار پیش آید، هر دو مربوط به آخرت، یکی آسان و دیگری سخت، سخت‌تر را انتخاب می‌کنم.» آیا ما شیعه‌ی این امیرالمؤمنین هستیم؟ ما از شیعه بودن چه چیز یاد گرفته‌ایم؟

ما مسلمان‌ها میلیون‌ها تومان را به اسم دکور خانه‌ها حبس کرده‌ایم که اگر به مصرف کارهای اساسی برسد، چه برکاتی نصیب ما می‌شود! حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که می‌تواند مرکب بیست درهمی تهیه کند، نباید مرکب ده هزار درهمی تهیه کند.»

یکی از علمای بزرگ در حال جان دادن بود. وقتی می‌گفتند: بگو «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ»، نمی‌گفت و با دست به طرفی اشاره می‌کرد. شاگردها گفتند: تعجب کردند و متفرق شدند. چند روز بعد که حالش خوب شد، پیغام داد: «چرا در درس حاضر نمی‌شوید؟» گفتند: «چون شما شهادت نمی‌دادید.» گفت: بیایید، سینی را فروختم! تعجب کردند و گفتند: سینی چیست؟ گفت: وقتی اسم مولا را می‌بردید، کسی می‌آمد و می‌گفت: اگر شهادت بدهی، سینی را می‌برم و چون من آن را دوست داشتم و به آن دل بسته بودم، نمی‌توانستم این جمله را بگویم. خدا به من رحم کرد و خوب شدم؛ آن را فروختم و به فقرا دادم.

ممکن است بگویید: «پس نباید یک سینی هم داشته باشیم؟!» نه؛ می‌گوییم: «نباید به آن دل ببندی و نشانه‌ی آن این است که اگر مثلاً ماشینت را بردند، رنگت نپرد.» ممکن است گفته شود: «مگر می‌شود ماشین را ببرند و انسان تغییر نکند؟» باید گفت: «نخیر. رنگت بپرد! سکتته هم بکن! آیا این ناراحتی‌ها فایده دارد و ماشین را بر می‌گرداند؟ اگر به جای این، قدرت روح پیدا کنی، دیگر این حوادث در تو اثر نخواهد کرد.» دنیا هیچ وقت از گرفتاری‌ها خالی نیست. ماییم که باید خودمان را طوری تربیت کنیم که تحت تأثیر حوادث واقع نشویم.